

ظن

مقام دوم وقوع تعبد عقلی یا شرعی به ظن

ظنون معتبره ظنونی که از تحت اصل خارج شده اند

خبر واحد

حجیت خبر واحد

اندک قائلین به حجیت خبر واحد

روایات

خلاصه استدلال ما روایات متواتری داریم که دلالت بر حجیت خبر واحد دارند. شیخ روایات را در چند دسته می آورد

گروه اول: اخبار علائجه که در مقام رفع تعارض دو خبر بیان شده است و نال بر این است که حجیت خبر واحد مورد قبول است

شیخ شکی نیست در اینکه این اخبار دلالت بر حجیت خبر واحد می کنند، لکن محدوده حجیت را این اخبار بیان نمی کنند

بله در یک روایت از این روایات کلمه نطق به کار رفته است و از این روایت می توانیم استفاده کنیم که خبر واحد نطق حجیت است و بعد از این روایت را برای مدلول سایر روایات قریبه بگیریم و بگوییم ملاک این است که خبر واحد نطق حجیت است

گروه دوم: روایات فریونی است که ائمه معصومین به تک تک اصحابشان دستور دادند که به افراد مخصوص برای اخذ روایت رجوع کنند

شیخ از مجموعه این روایات استفاده می کنیم که اگر خبر واحد حجیت نباشد، امام مردم را به تک تک اصحابشان ارجاع نمی دهند اما نسبت به محدوده حجیت، این گروه دوم از روایات خیلی صریح است که بر حجیت خبر نطق دلالت می کنند و حتی عیالات هم نمی خواهد

گروه سوم: یک سلسله روایاتی داریم که به طور عموم این روایات دستور می دهند که رجوع به عالم و نطق و راوی واجب است و آسان باید در فتوی به عالم رجوع کند

کیفیت استدلال اگر خبر واحد حجیت نباشد، رجوع ما به روات و اخذ حدیث از او یک عمل لغوی است و ائمه معصومین ما را مأمور به کار لغو نمی کنند

گروه چهارم: احادیثی است که هر حدیثش به تنهایی نمی تواند حجیت خبر را ثابت کند لکن مجموعه این احادیث بر حجیت خبر واحد دلالت میکنند. مثلاً حدیث متواتری داریم: « من حفظ علی آنتی ارحمن حدیثاً بعثه الله فقیهاً عالماً یوم القیامة »، یا ائمه معصومین علیه السلام فرموده اند که از روایات کتابین دوری کنید و به روایاتشان عمل نکنید

از این گونه روایات می فهمیم که در زمان ائمه معصومین علیهم السلام، باران ائمه تنها به خبر متواتر یا خبر واحد مع القریه عمل نمی کردند، زیرا آنها مفید قاطعند و جتند، بلکه به اخبار احاد هم عمل می کردند و با توجه به اینکه ائمه معصومین می فرمودند به خبری که روایتش کاذب باشد عمل نکنید، معلوم می شود که عمل به خبر یک سیره و سنت بوده والا اگر اصحاب فقط به خبر متواتر عمل می کردند، حتی دروغگوها هم دلیل نداشتند که روایتی را به امام نسبت دهند زیرا کسی به آن روایت عمل نمی کرد و فقط به خبر متواتر عمل می کردند. فلذا از اینکه کتابین هم محرکی برای دروغ بستن به ائمه داشتند معلوم می شود که عمل به خبر و لو غیر متواتر، بین علماء معروف و مشهور بوده است